

# شناخت دستگاه‌های موسیقی ایرانی

تألیف و گردآوری

محمد رضا فیاض



مؤسسه‌ی فرهنگی - هنری ماهور

تهران: ۱۳۹۳

[Shiraz-Beethoven.ir](http://Shiraz-Beethoven.ir)

# Shiraz-Beethoven.ir

## فهرست

۵	مقدمه
۱۱	شناخت دستگاه‌های موسیقی ایرانی
۷۵	۱. شور
۸۶	۲. ابوعطا
۹۴	۳. بیات ترک
۹۹	۴. افشاری
۱۰۳	۵. دشتی
۱۰۹	۶. سه‌گانه
۱۱۳	۷. چهارگانه
۱۱۹	۸. همایون
۱۲۵	۹. بیات اصفهان
۱۳۲	۱۰. ماهور
۱۳۷	۱۱. نوا
۱۴۳	۱۲. راست پنجگاه
۱۵۰	فهرست مراجع
۱۵۱	فهرست منابع شنیداری

## شناخت دستگاه‌های موسیقی ایرانی

۱

④ چهارمضرب نوا، سی‌دی ۱، قطعه‌ی ۱، ۰۲:۰۰

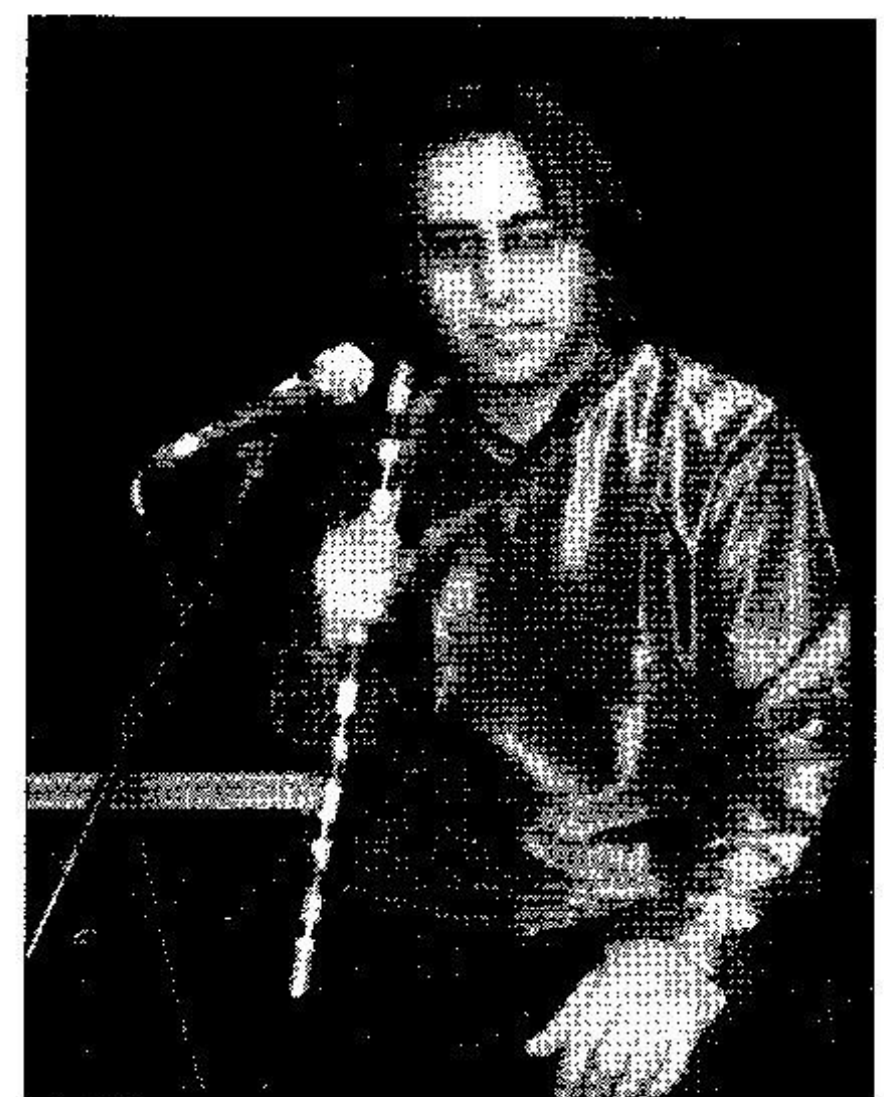
معمولاً وقتی در هر موقعیتی و به هر مناسبتی به موسیقی ایرانی پرداخته می‌شود بلافاصله پای عناوینی چون شور، ماهور، همایون و غیره هم به میان می‌آید. در این موارد، در حالی که هستند کسانی که با شنیدن حتا چهار پنج نت می‌گویند این آهنگ در مثلاً سه‌گاه است و نه ماهور، دیگرانی هم هستند که شگفت‌زده از خود می‌پرسند چگونه می‌توان به چنین تشخیصی رسید. آیا برای این درک و تمیز استعدادی ویژه یا نوعی موهبت مادرزادی باید داشت؟ آیا تنها اهل فن می‌توانند دستگاه‌ها را تشخیص دهند؟ آیا تنها از راه سال‌ها تحصیل عملی و نظری موسیقی است که می‌توان دستگاه‌های موسیقی ایرانی را بازشناخت؟

هدف اصلی این مجموعه آن است که روشی آسان و عملی برای تشخیص دستگاه‌های موسیقی ایرانی برای کنجکاوان و علاقه‌مندان تدارک ببیند اما این هدف تنها زمانی واقعاً در دسترس خواهد بود که پیش از دستگاه با مبانی بنیادی‌تر موسیقی ایرانی آشنا شده باشیم. به این ترتیب، مجموعه‌ی گفتارهای ما شامل دو بخش جداگانه اما مرتبط است: بخش نخست بررسی آن دسته مقولاتی است که به نوعی در تکوین مفهوم دستگاه نقش مؤثر داشته و دارند و بخش دوم شمایی است اجمالی از هر دستگاه. اکنون چند دهه است که این روش به شکل‌های گوناگون توسط موسیقی‌شناسان مختلف به کار گرفته می‌شود. بسیاری احتمالاً با شیوه‌ی متفاوتی که از قدیم برای یادگیری دستگاه‌ها رایج بوده، آشنا هستند — شناسایی هر دستگاه از راه مقایسه با چند آهنگ نمونه: اگر این آهنگ به «بادا بادا مبارک بادا» خورد چهارگاه است و اگر به «لی لی لی لی حوضک» خورد افشاری است و اگر به «مرغ سحر»، ماهور و غیره. اما موضوع اصلی اینجاست که خود آن «خوردن» چیست؟ چه چیز قرار است به چه چیزی بخورد یا نخورد، به چه وجهی، و چرا؟ بیاید یک لحظه هر دستگاه موسیقی ایرانی را مثل یک خانواده تصور کنیم:

خانواده‌ی شور، خانواده‌ی سه‌گانه، خانواده‌ی نوا و و. اعضای یک خانواده چه چیزهایشان می‌تواند به هم بخورد؟ ممکن است مشابهت‌ها ظاهری باشد: قد و بالا و چشم و ابروی این دو برادر شبیه هم است. این را در یک نظر با چشم می‌شود دید. هر دو خواهر، علی‌رغم اختلاف ظاهر، به فصل پاییز حساسیت دارند. این را دیگر در مشاهده‌ی فوری نمی‌توان فهمید و برای سنجش صحت گزاره باید منتظر پاییز ماند. این پدر و پسر نه ظاهر و نه باطنشان به هیچ وجه به هم نمی‌خورند با این حال دی.ان.ای‌شان یکی است. این را با هیچ مشاهده‌ای نمی‌توان دید مگر در یک آزمایشگاه پیشرفته‌ی ژنتیک. اکنون سؤال اینجاست: به هم آمدن آهنگ‌های یک دستگاه، «خوردن» این آهنگ به آن آهنگ، از نوع اول است یعنی به یک نظر آشکار می‌شود یا از نوع دوم که با کمی حوصله آشکار می‌شود یا حتا از نوع سوم که از دید غیرمسلح پنهان است؟ با خوشحالی به شما اطلاع می‌دهیم که موضوع تشخیص دستگاه‌های موسیقی ایرانی آن قدرها پیچیده نیست که مراجعه به آزمایشگاه لازم شود! اما از آن طرف آن قدرها هم ساده نیست که به طرفه‌العینی قابل توضیح باشد. پای پرسش‌های مهمی در میان است.

«موج»، سی‌دی ۱، قطعه‌ی ۱، ۴:۴۲

این است که دامنه‌ی موضوعات این مجموعه از قضیه‌ی معرفی هر دستگاه فراتر رفته و پرسش‌های دیگری را هم دربرمی‌گیرد: اساساً دستگاه در موسیقی ایرانی چیست؟ فایده‌ی آن کدام است؟ چه کسی یا چه کسانی آن‌ها را ساخته‌اند؟ کی و به چه منظوری ساخته شدند؟ مناسبت نام‌گذاری آن‌ها چه بوده؟ آیا چنین پدیده‌ای فقط مختص ایران است یا نظایر آن را در موسیقی دیگر اقوام و تمدن‌ها نیز می‌توان یافت؟ آیا در میان اهل فن موسیقی دستگاه معنای همیشه ثابتی دارد یا موسیقی‌دانان آن در ضیفی از معانی البته مرتبط



اسحاق چگینی

به کار می‌گیرند؟ آیا شناسایی و تشخیص هفت دستگاه بر لذتی که از موسیقی می‌توانیم ببریم تأثیرگذار است؟

در این مجموعه حول و حوش بسیاری از این پرسش‌ها سخن می‌گوییم اما به هدف اصلی نیز وفادار خواهیم ماند: یک شیوه‌ی عملی برای تشخیص دستگاه‌های موسیقی ایرانی. در آخرین مرحله، پس از طرح چشم‌انداز کلی ساختار دستگاهی، الگوهای صوتی از هر دستگاه ارائه می‌شود به نحوی که با شنیدن یک موسیقی نوعی تداعی و رابطه‌ی مشابهت در ذهن شنونده نقش بندد؛ همان «خوردن»ی که قبلاً صحبتش شد! در واقع شیوه‌ی سنتی شناخت دستگاه‌ها، از راه مقایسه و تداعی، بر حقیقت مهمی تکیه دارد چرا که اصلاً شکل‌گیری مفهومی تحت عنوان دستگاه یا نظایر آن با توجه به همین خصوصیت مشابهت تداعی‌گرانه صورت پذیرفته است. دست آخر و در یک کلمه، روش شناسایی دستگاه چیزی نیست جز همان‌چه که در بدو امر دستگاه را ساخته است: شباهت‌ها. شباهت همه‌ی سیب‌ها را می‌توان دید یا چشید و شباهت همه‌ی گل‌های سرخ را می‌توان بوید یا دید اما شباهت همه‌ی ماهورها، مثلاً، تنها با درست و دقیق‌شنیدن آشکار خواهد شد. اینکه برای این منظور چه چیزی را از میان مجموعه‌ی شنیدنی‌های یک آهنگ بشنویم موضوع

کار ما در نخستین قدم‌هاست اما تا همین جا یک نکته‌ی مهم نیز روشن شد: اگر وجود نوعی مشابهت از ارکان پدیدآورنده‌ی مفهوم دستگاه است پس براساس این شباهت‌ها به نوعی نظام طبقه‌بندی نیز می‌توان دست یافت. این نکته‌ی مهمی است، آن را به‌عنوان یک پاسخ اولیه — و البته فقط اولیه — در مقابل پرسش «دستگاه چیست؟» به خاطر داشته باشیم: دستگاه یکی از چندین نظام طبقه‌بندی موسیقی‌هاست.

«شب تا سحر»، سی‌دی ۱، قطعه‌ی ۲، ۲۰۲:۵۵



حمیدرضا خبازی